



## Solutions to Fight against Financial Corruption of Government Officials in Iranian Law

## راهکارهای مبارزه با فساد مالی مقامات دولتی در حقوق ایران

**Sajjad Moradi**

Master of Criminal Law and Criminology, Tabnak University, Lamerd, Iran (Corresponding Author)

**سجاد مرادی**

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)  
sajad.moradi34@yahoo.com

**Amirhasan Abolhasani**

Ph.D. in criminal law and criminology, lecturer at Tabnak University, Lamerd, Iran

**امیرحسین ابوالحسنی**

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه تابناک، لامرد، ایران  
a.abolhasani18@yahoo.com

### Abstract

One of the most important challenges in the field of economic law is the issue of corruption of government officials. Abuse of government power for personal gain is an event that is common in the administrative and political systems of different countries. Financial corruption with its various dimensions exists in all countries (more or less). Our country is also struggling with this problem and attention has been focused on this issue and the need to fight it for some time.. Financial corruption is a complex phenomenon with multiple causes and effects, which is raised in various cultural, political and economic dimensions and requires specific combat solutions. Among the most important of these factors is the deprivation of economic freedom, which through the excessive interference of the government and related institutions, creates the basis for the spread of financial corruption of government officials at the micro and macro levels. In the present research, with the descriptive and analytical research method of the theoretical materials and considering the purpose of the research is to investigate the solutions to fight against the financial corruption of government officials in Iranian law, as a result, like progressive countries with the rule of law in the country's financial system, discipline created finance so that corruption can be dealt with under the protection of rules and transparency created by the law. There are serious and effective measures to fight the problem of financial corruption; Hiring and employing competent people, appointing and promoting jobs according to certain criteria, reporting to the public, monitoring the property and assets of government officials, are among the most important measures that are taken in many legal systems in order to deal with financial corruption. , has been used, which if these actions are done correctly, will leave concrete and effective results in the fight against financial corruption.

**Keywords:** Fight, Corruption, Government Officials, Iranian Rights.

### چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در زمینه حقوق اقتصادی مطرح است، بحث فساد مالی مقامات دولتی است. سوءاستفاده از قدرت دولتی برای کسب منافع شخصی، رویدادی است که در نظام‌های اداری و سیاسی کشورهای مختلف شایع است. فساد مالی با ابعاد گوناگون آن در تمام کشورها (کم و بیش) وجود دارد. کشور ما نیز با این عارضه دست به گریبان است و چندی است که توجه‌ها به این مسئله و لزوم مبارزه با آن معطوف شده است. فساد مالی پدیده‌ای پیچیده و دارای علل و آثار چندگانه است که در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شود و راهکارهای مبارزه خاص را می‌طلبد. از جمله مهم‌ترین این عوامل سلب آزادی اقتصادی است که از طریق دخالت بیش از حد دولت و نهادهای مرتبط، زمینه‌ساز گسترش فساد مالی مقامات دولتی در سطح خرد و کلان می‌گردد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با مدنظر قراردادن هدف پژوهش مبنی بر بررسی راهکارهای مبارزه با فساد مالی مقامات دولتی در حقوق ایران باید همچون کشورهای متمدنی با حاکمیت قانون در نظام مالی کشور، انضباط مالی ایجاد نمود تا در پناه قواعد و شفافیت ایجاد شده توسط قانون بتوان با فساد مقابله نمود. برای مبارزه با معضل فساد مالی تدابیر جدی و مؤثری وجود دارد؛ استخدام و بکارگیری افراد شایسته، انتصاب و ارتقاء شغلی برابر ضوابط معین، گزارش‌دهی به عموم، نظارت بر اموال و دارایی مقامات دولتی از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی به منظور مقابله با فساد مالی، به کار رفته است، که اگر این اقدامات به درستی انجام شود، نتایج ملموس و اثربخشی در مبارزه با فساد مالی بر جای می‌گذارد.

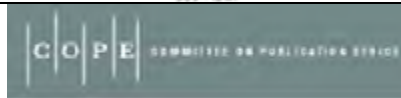
**واژگان کلیدی:** مبارزه، فساد مالی، مقامات دولتی، حقوق ایران.

ارجاع:

مرادی، سجاد؛ ابوالحسنی، امیرحسین؛ (۱۴۰۲)، راهکارهای مبارزه با فساد مالی مقامات دولتی در حقوق ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



## مقدمه

در ماده یک قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷، فساد هرگونه فعل یا ترک فعل توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زبانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید، نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداختی‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی تعریف شده است. تعریف سازمان شفافیت بین‌المللی از فساد نیز بدین شکل است: «سوءاستفاده از قدرت تفویض شده در جهت منافع شخصی، اعم از این که در بخش خصوصی باشد و یا دولتی» (همدمی خطبه سرا، ۱۳۸۳).

در ماده دو کنوانسیون مریدا ۲۰۰۳ مقام دولتی اطلاق می‌شود به: هر شخصی که دارای شغل قانونگذاری، اجرایی، اداری یا قضایی در کشور عضو اعم از انتصابی یا انتخابی و دائم یا موقت باشد و حقوق دریافت کند یا نکند، صرفنظر از ارشدیت وی و یا هر شخص دیگری که کار دولتی را انجام می‌دهد از جمله برای نهاد یا مؤسسات دولتی یا همان‌طور که در قانون داخلی کشور عضو تعریف شده است و همان‌گونه که در زمینه مربوط قانون کشور عضو به کار رفته است، خدمات دولتی ارائه می‌دهد (دادخدایی، ۱۳۹۰).

فساد مالی صاحبان مقام و قدرت به یکی از چالش‌های اساسی تبدیل شده است، چالشی که قلمرو

جولان آن، مختص کشور، منطقه و یا قاره خاصی نیست. هر چند ممکن است به دلیل وجود شرایط مساعد و مناسب در نقطه‌ای، پرننگ‌تر از نقطه دیگر جلوه کند. فساد، زمانی به وجود آمد که شخص پنداشت قدرت و اختیاری که دیگران فاقد آن هستند و پشتوانه آن نیز منبع قدرتمندی همچون دولت است، راهی برای کسب منفعت و ثروت به نفع خود است. اولین و بارزترین مصداق فساد از ابتدای تاریخ تاکنون، رشوه بوده اما تعریف فساد همیشه آسان و مورد پذیرش همه نبوده است. اگرچه همه فساد را می‌فهمیدند و درک می‌کردند ولی وقتی نوبت به تعریف می‌رسید، اختلاف نظرها شروع می‌شد. به قول «ویتوتانزی»<sup>۱</sup> فساد مانند فیلی است که می‌توان آن را فهمید ولی نمی‌توان توصیف کرد.

با پیشرفت جوامع و در پی آن افزایش انواع جرم در جوامع بشری، فساد مالی نیز به عنوان یک جرم با مطلوب‌ترین نتایج مالی برای مرتکب آن، گسترش یافت. این امر موجب اختلال جدی در نظام اقتصادی کشورها می‌شد. به این ترتیب، دولت‌ها باید به فکر پیشگیری و مبارزه با مصداق جرم فساد مالی می‌افتادند. تشکیل کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد نتیجه تلاش دولت‌ها برای مبارزه با فساد در سطح بین‌المللی است و قطعاً اکثر کشورها با پیش بینی آن در قوانین داخلی خود به فکر مبارزه با آن در سطح داخلی نیز هستند (جعفرپورصادق و عدالت جو، ۱۳۹۲، ۷۹).

باید گفت که علیرغم تصویب قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و تصویب کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد (مریدا) و ملحق شدن کشور ما به این کنوانسیون متأسفانه مقررات آن عملاً در کشور ما اجرا نگردیده و باید گفت صرف ملحق شدن به این کنوانسیون مادام که همراه با جرم‌انگاری صریح و تعیین ضمانت اجرای کیفری متناسب نباشد عملاً نمی‌تواند باعث پیشگیری از وقوع جرم گردد. قوانین مربوط به جرائم مالی مقامات حکومتی در نظام حقوقی ایران دارای نارسایی‌هایی هستند که ضروری می‌سازد قانونگذار بدون هیچ گونه تعللی، به منظور مقابله هرچه کارآمدتر با فساد مالی در کشور قوانین موجود را اصلاح کرده و یا این که قوانین کارآمد و مؤثری تدوین نماید.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال‌ها است که راهکارهای مبارزه با فساد مالی مقامات دولتی در حقوق ایران کدامند؟ و چگونه می‌شود با فساد مالی مقامات دولتی مبارزه کرد؟ چه قوانین و مقرراتی در جهت مبارزه و پیشگیری از فساد مالی در کشور وضع شده است؟ و چه راهکارهایی در جهت پیشگیری از فساد مالی وجود دارد؟

1- vito tanzi

## ۱- مفهوم فساد

در تعریف لغوی فساد آمده است که فساد یعنی «تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، زیان، کینه، دشمنی، ظلم، شرارت، بدکاری، بیماری، پوسیدگی، اضمحلال، چرکی شدن عضو، ضدصلاح و به ستم گرفتن مال کسی» (معین، ۱۳۸۲، ۹۱۶). فساد، عمل یا تصمیمی است که موجب شود، خارج از ضوابط قانونی، تعداد افراد متأثر از نتایج منفی عمل یا تصمیم، از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیشتر باشد. ساموئل هانتینگتون معتقد است، که هرگاه فرصت‌های سیاسی نایاب شوند، فساد رخ می‌دهد، چراکه مردم از رفاه و ثروت برای خریداران قدرت استفاده می‌کنند و هرگاه فرصت‌های اقتصادی کم باشند، باز هم فساد رخ می‌دهد، زیرا قدرت سیاسی برای رسیدن به رفاه و ثروت به کار می‌رود. ممکن است فساد در سه سطح شخصی، نهادی و سیستمی اشاعه یابد. در سطح شخصی، فساد در راستای نفع فردی یک شخص صورت می‌گیرد. در سطح نهادی این مسئله در جهت منافع یک ارگان یا نهاد معین صورت می‌گیرد. در سطح سیستمی، فساد کل رژیم و نظام سیاسی کشور را در بر می‌گیرد.

برخی از حقوقدانان تفاوت‌هایی برای جرائم اقتصادی و مفاسد مالی به این شرح بیان داشته اند: منظور از مفاسد مالی، فساد مالی کارکنان و مقامات دولتی و بخش عمومی نسبت به اموال دولتی یا اموالی است که در اختیار دولت است یا جرائمی که کارمندان و کارکنان دولت در راستای انجام وظایف قانونی خود انجام می‌دهند و جنبه مالی دارند. اما موضوع جرائم اقتصادی لزوماً اموال دولتی یا بیت المال نیست و هرگونه اقدامی که به اقتصاد کشور لطمه بزند هرچند که مال موضوع جرم متعلق به بخش خصوصی باشد، جرم اقتصادی خواهد بود. مرتکب جرائم و مفاسد مالی همواره کارمند دولت است اما لازم نیست که مرتکب جرم اقتصادی، لزوماً کارمند دولت باشد. متضرر از جرائم مالی دولت است در صورتی که متضرر جرم اقتصادی هم دولت و هم اشخاص حقیقی و خصوصی است. البته گاهی گستردگی جرائم علیه اموال که اگر موجب اختلال در نظم اقتصادی کشور شود، می‌تواند عنوان جرم اقتصادی به خود بگیرد (معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضاییه، ۱۳۹۱، ۳).

پژوهشگران، فساد مالی را به عنوان یک رابطه خاص حکومت جامعه تعریف کرده و بین فساد سیاسی، فساد اداری و فساد مالی و اقتصادی، تفاوت قائل می‌شوند و فساد مالی را به عنوان یک سا و کار «نشت از بالا» یا «توزیع مجدد رو به پایین» دسته بندی کرده‌اند. اما از لحاظ همنشینی فساد قدرت با فساد مالی، عملاً این دو مفهوم به هم نزدیک گشته و حالتی جدایی‌ناپذیر پدید آورده‌اند. علاوه بر محافل آکادمیک، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی نیز برای دستیابی به یک تعریف و مفهوم منسجم تلاش‌هایی را صورت داده‌اند.

## ۲- آثار فساد

فساد می‌تواند پیامدهای منفی به شرح ذیل داشته باشد: فساد باعث اتلاف منابع جامعه می‌شود؛ فساد مانع رشد رقابت و موجب خنثی شدن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می‌شود؛ مفسد مرتکب فساد می‌شود و با تضعیف انگیزه‌ها موجب زیان‌های اجتماعی و یا تضعیف نهادهای موجود و بالاخره زیان اقتصادی می‌شود؛ فساد از میزان اثربخشی و مشروعیت دولت‌ها می‌کاهد، امنیت و ثبات جوامع را به خطر می‌اندازد و ارزش‌های دموکراسی و اخلاقیات جامعه را مخدوش می‌سازد؛ فساد به افزایش هزینه معاملات و کاهش امکان، پیش‌بینی اقتصادی منجر می‌شود و مانع توسعه پایدار است؛ فساد منجر به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده روی منابع انسانی، کم‌رنگ شدن فضائل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در سازمان می‌شود؛ فساد موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر می‌شود (معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضاییه، ۱۳۹۱، ۲۴).

## ۳- عناصر مصادیق فساد مالی

### ۳-۱- عنصر مادی

با توجه به تعریفی که از فساد مالی ارائه شد، هر فعل یا ترک فعل فیزیکی و مادی که منجر به سوءاستفاده از قدرت به امانت داده شده می‌گردد، عنصر مادی فساد مالی را شکل می‌دهد؛ به این ترتیب، عنصر مادی فساد مالی، تمامی رفتارهایی که به هر نحوی، دلالت به سوءاستفاده مرتکب، از قدرت مورد امانت خود نمایند، را شامل می‌شود. تعبیر «قدرت مورد امانت» نشان می‌دهد که فساد مالی، تنها شامل اعمال کارکنان بخش عمومی نیست بلکه اعمال تجار و بازرگانان بخش خصوصی را نیز در بر می‌گیرد. در واقع، هر کس به هر طریق قدرتی را از بخش عمومی یا خصوصی به امانت گرفته باشد و از آن سوءاستفاده کند مرتکب فساد مالی شده است (جعفرپورصادق و عدالت جو، ۱۳۹۲، ۴).

### ۳-۲- عنصر روانی

در مورد عنصر روانی جرم فساد مالی باید گفت که برای تحقق جرم مذکور، مرتکب باید علاوه بر قصد سوءاستفاده، قصد کسب منفعت شخصی را نیز داشته باشد. به این ترتیب، با توجه به تعریف ارائه شده برای فساد مالی، تحقق جرم، بدون قصد کسب منفعت شخصی، منتفی است. بنابراین تعریف مذکور فساد مالی را به عنوان یک جرم مقید معرفی می‌کند از سوی دیگر، عبارت برای کسب منفعت شخصی

که در تعریف، ذکر شده است را می‌توان توضیحی برای انگیزه غالب مرتکبین جرم فساد مالی تلقی نمود نه جزیی از عنصر روانی جرم. در ضمن، عنوان فساد مالی یک عنوان عام است که شامل مصادیق زیادی می‌شود و نمی‌توان عنصر روانی آن را به طور کلی تعیین نمود و آن را جرمی مقید دانست، بلکه بهتر آن است که عنصر روانی هریک از مصادیق این جرم را با توجه به عنصر قانونی آن‌ها، به طور جداگانه در نظر گرفت.

#### ۴- راهکارهای مبارزه با فساد مالی مقامات دولتی

##### ۴-۱- عزم ملی و اراده سیاسی

مبارزه با فساد در کشور نیازمند عزم ملی و اراده جدی سیاسی جهت مبارزه قاطع با فساد اداری می‌باشد. تا زمانی که این عزم ملی و اراده سیاسی تحقق نیابد، مبارزه با فساد فاقد پشتوانه و بی‌نتیجه خواهد بود.

##### ۴-۲- خصوصی سازی

کوچک کردن دولت و نهادهای دولتی و گسترش بخش خصوصی یکی از راه‌های مؤثر مبارزه با فساد است. این مسئله با تقویت و حمایت از بخش خصوصی و ایجاد انگیزه و رقابت و اعمال راهکارهایی درخصوص نظارت درونی و بیرونی موجبات کنترل فساد را محقق می‌سازد.

##### ۴-۳- تقویت اعتماد مردم

هرچند امکانات و توانایی هر حکومت برای نظارت و کنترل این معضل امری تردیدناپذیر است ولی باید توجه داشت که تمام فعالیت‌های نهادها و مقامات اداری باید در اختیار عموم گذاشته شود، که این مسئله در درون خود پاسخگویی را نیز به همراه داشته و تأثیر این مسئله بر رسانه‌ها و افکار عمومی اعتماد به نقش مردم در کنترل و نظارت بهتر بر این امر خواهد بود.

##### ۴-۴- اصلاح قوانین

برای مبارزه با فساد باید قوانین معارض با اصول مبارزه با فساد و کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد اصلاح شود تا بستر مناسب و عملی مبارزه با فساد فراهم شده و بسترهای فسادآمیز را حذف نماید. بی‌تردید وضع و اصلاح این قوانین باید با توجه به تجارب سایر کشورها و معیارهای بین‌المللی مذکور در اسناد بین‌المللی از قبیل کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد انجام شود.

#### ۴-۵- طرح جامع مبارزه با فساد

دولت با همکاری مراکز علمی و دانشگاهی با ایجاد مرکزی جهت مطالعات اساسی و مبتنی بر اصول علمی درباره فساد اداری و ریشه‌ها و پیامدهای آن و نیز جستجوی راه حل مناسب با استفاده از تجارب و آموخته‌های سایر جوامع می‌تواند به حل اصولی و پایدار این مشکل کمک نماید (جعفرپورصادق و عدالت جو، ۱۳۹۲، ۱۰).

#### ۴-۶- اصلاح ساختار اداری

حجم دولت و نهادهای دولتی بسیار بزرگ‌تر از ضرورت آن است. حجم دولت و نهادهای دولتی باید به شیوه‌های مختلف کوچک شود، بدنه‌های غیرضروری هر نهاد از تشکیلاتش حذف شود و نهادهای موازی ادغام شوند. با سیستمی کردن کارها، باید ارتباط مستقیم مردم با مسئولین کمتر شود. به علاوه، بخش خصوصی گسترش یابد. اعمال اصلاحات در سازمان‌های دولتی نیازمند اصلاح و بهبود تشکیلات سازمان‌ها، بهبود نظام بودجه‌ریزی، مدیریت مالی مؤثر و نظام مالیاتی کارآمد می‌باشد. این اصلاحات باید بتواند قدرت انحصاری کارکنان را در تصمیم‌گیری تعدیل نماید، ارتباط مستقیم ارباب رجوع و کارکنان را به حداقل برساند، سرعت انجام کارها را افزایش دهد و از ایجاد روابط بلندمدت بین کارمندان و مراجعان جلوگیری نماید.

#### ۴-۷- تعیبه مکانیزم‌های اطمینان بخش

باید در درون دولت مکانیزمی تعیبه و کارسازی شود که به مبارزه مستمر با فساد اداری و کاهش اثرات مخرب آن و ارتقای همکاری و هماهنگی میان بخش‌ها و افرادی که در این راستا مبارزه می‌نمایند، کمک نماید. از جمله این مکانیزم‌ها سیستمی کردن کارها، شفافیت در فعالیت‌های اداری و مالی، گزارش‌دهی منظم و درست، نظارت فعال و دقیق، کشف و پیگیری تخلفات و تخطی‌های فسادآمیز و برخورد قضایی قاطع با مرتکبان فساد اداری و مجازات مجرمین می‌باشد.

#### ۴-۸- آموزش ضدفساد

برای مبارزه با فساد مالی مقامات و کنترل آن، آموزش مدیران و کارمندان و آشناسازی آن‌ها با این گونه جرائم و تخلفات و مجازات و پیامدهای آن و نیز نحوه مقابله با آن بسیار سودمند می‌باشد (جعفرپورصادق و عدالت جو، ۱۳۹۲، ۱۵).

#### ۹-۴- اصلاح نهادهای قضایی و هماهنگی و همکاری میان آن ها

همکاری و هماهنگی میان نهادهای دولتی از جمله مجریان قانون و به خصوص نهادهای قضایی، در زمینه کشف فساد و سرعت و قاطعیت در برخورد با تخلفات و جرائم فسادآمیز مقامات بسیار ضروری است. در این راستا، تأمین امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی مدیران و قضات سبب می‌شود که با متخلفان برخورد قاطع و جدی صورت گیرد. تقویت نظارت و تفتیش و بازرسی درون و برون سازمانی و انتخاب بازرسان متخصص و استفاده از علوم رایانه‌ای برای جمع آوری آمار و اطلاعات باکیفیت و کمیت مطلوب به امر مبارزه با فساد مقامات دولتی کمک فراوان می‌نماید.

#### ۱۰-۴- افزایش نظارت عمومی

کنترل پنهانی، حسابرسی آشکار و نظارت فراگیر و حساب شده برای مبارزه با فساد یک امر ضروری محسوب می‌گردد. ارائه آمار دقیق در مورد میزان توصیه‌های وارده، مختمه، احکام برائت و احکام قطعی لازم الاجرا مربوط به فساد و کلاً عرضه معلومات دقیق در رابطه با وقایع فساد از یک سو و نظارت مردم، احزاب سیاسی، سازمان‌های اجتماعی، مؤسسات غیردولتی و رسانه‌ها بر عملکرد دولت می‌تواند وسیله خوبی برای جلوگیری از ارتکاب فساد اداری باشد. بالا بردن نظارت عمومی بخشی از مقابله با فساد اداری است. باید احزاب و اتحادیه‌ها، تشکل‌ها، رسانه‌ها و جامعه مدنی اجازه داشته باشند که رفتار دولت را زیر کنترل داشته باشند و این موضوع قدرت کنترل مدنی را بالا می‌برد. زیرا قدرت منهای نظارت مدنی دولت را فاسد می‌کند و نقش افکار عمومی و نظارت مطبوعات مؤثرترین شیوه برای کنترل فساد هستند. بدیهی است هر جا که قدرت باشد و نظارت نباشد فساد رخ می‌دهد؛ پس قدرت باید توسط ناظران اجتماعی کنترل شود و در ضمن قدرت باید گردش باشد و اصل گردش بودن قدرت و اختیارات سیاسی و اداری به عنوان یک اصل فراگیر رعایت شود، زیرا قدرت ذاتی نیست و توسط مردم به افراد داده می‌شود و اگر محدود نشود حتماً فساد رخ می‌دهد (جعفرپورصادق و عدالت جو، ۱۳۹۲، ۱۲).

#### ۱۱-۴- ایجاد مکانیزم‌های شفاف در امور اداری

شفافیت در امور و فعالیت‌های اداری به خصوص در درآمدهای دولتی تا حدود زیادی دست و پای افراد فاسد را بسته و از وقوع فساد اداری جلوگیری می‌نماید. دولت هر چند دارای مقامات عالی رتبه را ثبت می‌نماید، ولی این کار بیشتر سمبلیک و تشریفاتی است و هیچ گونه تحقیق و بررسی نسبت به صحت و درستی ادعای افراد نمی‌شود.



#### ۴-۱۲- افزایش آگاهی عمومی

افزایش آگاهی عمومی نسبت به پیامدهای فساد و تأثیر آن بر زندگی افراد و اجتماع امری است که در پیشگیری از این مقوله نقش بنیادینی را ایفا می‌کند.

#### ۴-۱۳- رشد اقتصادی و معیشتی

میان رشد اقتصاد و معیشت مردم و کاهش فساد اداری ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و رشد اقتصادی و بهبود وضعیت معیشت مردم از جمله افزایش معاش مدیران و کارمندان، فساد را کاهش می‌دهد و در مقابل فساد روزافزون باعث کندی رشد اقتصادی می‌گردد. افزایش درآمد کارمندان از فساد اداری جزئی تا حدود زیادی می‌کاهد (جعفرپورصادق و عدالت‌جو، ۱۳۹۲، ۱۵).

#### ۵- راهکارهای پیشگیری از فساد مالی

##### ۵-۱- پیشگیری اجتماعی

در پیشگیری اجتماعی، تغییر شخصیت بزه‌کار و شرایط اجتماعی مورد توجه است. در واقع ارتکاب جرم نتیجه علل مختلفی است که در علم جرم‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد (مرادی، ۱۳۹۱، ۴). از جمله این علل، علل اجتماعی است که در جامعه‌شناسی جنایی به طور خاص، مورد توجه قرار می‌گیرد و تلاش برای حذف این علل، موضوع پیشگیری اجتماعی است.

برای پیشگیری از فساد مالی، غیرفعال نمودن عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب مصادیق جرم مذکور لازم است. عمده‌ترین این عوامل، قطعاً فقر است. احساس فقر موجب احساس نیاز مرتکب احتمالی به سود حاصل از ارتکاب جرم شده و باعث وقوع جرم می‌گردد. همچنین زندگی فرد در مسکن نامناسب ناشی از فقر، نه تنها در ارتکاب جرم از سوی او مؤثر است بلکه حتی دیگر عوامل مؤثر در وقوع جرم را نیز فعال می‌کند (مرادی، ۱۳۹۱، ۱۳۱)؛ همچنین فرهنگ‌سازی برای افزایش وجدان کاری، نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. طبیعی است که هر گاه افراد جامعه نسبت به پدیده فساد آگاهی کامل داشته باشند، در برخورد با آن می‌کوشند تا اولاً از ورود آن به محیط خود جلوگیری کنند، ثانیاً در صورت ورود بدون آن که خود به آن آلوده شوند از طرق مختلف در پی دفع آن می‌باشند و ثالثاً از آلوده شدن دیگران نیز جلوگیری می‌کنند. آموزش شهروندان نسبت به موضوع فساد، دارای ابعادی است که از جمله شامل آگاهی دادن ایشان در مورد حقوق و تکالیف خود در امور اداری و نیز حقوق و تکالیف کارمندان نهادهای اداری در بخش‌های مختلف است.

### ۵-۲- پیشگیری زودرس یا رشدمدار

مشکل اساسی که پیشگیری زودرس یا رشدمدار به دنبال ارائه راه حل برای آن است، قصور والدین و تا حدودی بی کفایتی آن‌ها در تربیت فرزندان است. در واقع برخی از والدین نمی‌دانند چگونه خودکنترلی را به فرزندان خود بیاموزند. این مشکل در خانواده‌های بدسرپرست و منزوی حادث است. در این شرایط پدر یا مادر به خاطر ناتوانی در تربیت زودهنگام با یک فرزند نافرمان و غیرقابل کنترل مواجه می‌شوند که هم زمان مجبورند هم به لحاظ وابستگی و نبود حامی دیگر، او را دوست داشته باشند و هم به لحاظ سرکشی و هوس بازی از او نفرت داشته باشند. بر همین اساس، مداخلات پیشگیرانه در این نوع پیشگیری، زودرس است که بستر اجرای آن خانواده یا مدرسه است و جنبه تربیتی آن غلبه دارد. همچنین برطرف کردن اختلالات رفتاری را قبل از استقرار در اولویت قرار می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ۷۴).

به این ترتیب، یکی از تدابیر پیشگیری زودرس از جرائم به طور عام و جرم فساد مالی به طور خاص، آموزش خودکنترلی به کودکان در خانواده و مدرسه است. کودکی که احراز از رفتارهای نامشروع را در خانواده نیاموخته حتماً باید آن را در مدرسه بیاموزد. مدرسه اولین محیط اجتماعی است که کودک ناچار است خود را با نظم و قوانین آن هماهنگ سازد. این نظم و ترتیب از قوانین حاکم در محیط خانواده رسمی تر است. در این مرحله است که کودک ناسازگار نامتعادل یا عقب مانده ذهنی که استعداد پیروی از نظم یا هماهنگی با محیط را ندارد با عدم موفقیت مواجه می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۸۴، ۲۷۶) و اتفاقاً همین کودکان در پیشگیری زودرس باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرند و در همین مرحله، باید در جهت هماهنگ سازی آن‌ها با محیط کوشش شود. بهتر است درستکاری و امین بودن در کار، به عنوان هنجارهایی اساسی در وجود افراد جامعه نهادینه گردد تا عمل کردن برخلاف آن برای شخص غیرقابل تصور و سخت جلوه کند. بخشی از این کار، متوجه پیشگیری زودرس است که باید به آموزش به کودکان و نوجوانان پردازد و به نهادینه کردن این امر در آن‌ها کمک کند. امری که در جامعه ما چندان مورد توجه نیست. این‌ها نکاتی است که باید در پیشگیری زودرس از جرم به طور عام و در فساد مالی به طور خاص، مورد توجه قرار گیرد (جعفرپورصادق و عدالت جو، ۱۳۹۲، ۱۰).

### ۵-۳- پیشگیری وضعی

در پیشگیری وضعی با تغییر در موقعیت‌های خاصی که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است، هدف دشوار کردن، پرخطر کردن یا جاذبه زدایی برای افرادی است که قصد ارتکاب دارند. بنابر نظریه انتخاب عقلانی، مجرمان متفاوت از سایر انسان‌ها نیستند و قادر به انتخابند و ارتکاب جرم، نتیجه انتخاب عقلانی آن‌ها

در موقعیت‌های متفاوت است. پیشگیری وضعی می‌خواهد، این انتخاب را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین ناظر بر اوضاع، احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد و در جرم‌شناسی وضعیت‌های ماقبل بزهکاری یا وضعیت پیش جنایی نامیده می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ۵۸۰).

### ۱-۵-۳- راهکارهای پرخطر کردن جرم فساد مالی

از جمله تدابیر خطرآفرای ارتکاب جرم که پیشگیری وضعی به دنبال آن است، افزایش خطر دستگیری است (Gilling, 2005, 4) و تقویت نظارت‌های رسمی، از تدابیر رسیدن به این هدف می‌باشد. به این ترتیب، یکی از راهکارهای پیشگیری از فساد مالی، در راستای تحقق پیشگیری وضعی از جرم مذکور تقویت نظارت رسمی است. این امر در کشور ما از طریق نهادهای نظارتی صورت می‌گیرد.

از جمله این نهادها، دیوان محاسبات کشور است، که بخش اعظم نظارت بر نظام مالی کشور، از طریق آن انجام می‌گیرد. دیوان محاسبات کشور، زیرمجموعه مجلس شورای اسلامی است و اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم قانون اساسی اختصاص به آن دارد و مبین اهداف، وظایف، تشکیلات و روش‌های این سازمان می‌باشد. همچنین وظایف دیوان کشور در مواد ۲ الی ۷ قانون دیوان محاسبات تصریح شده است که عمدتاً عبارت است از حسابرسی، بررسی، رسیدگی نسبت به کلیه حساب‌های درآمد، هزینه‌ها، دریافتی‌ها و پرداختی‌ها، صورت‌ها و عملیات مالی، موجودی حساب اموال و دارایی‌ها، اطمینان از حصول و ارسال صحیح و به موقع درآمدها و انجام هزینه‌ها، اطمینان از برقراری روش‌ها و دستورالعمل‌های مناسب مالی و کاربرد مؤثر آن‌ها در جهت نیل به اهداف دستگاه‌های مورد رسیدگی، رسیدگی به حساب کسری و تخلفات مالی و اعلام نظر درخصوص لزوم وجود مرجع کنترل‌کننده داخلی یا عدم کفایت آن‌ها که به منظور حفظ حقوق بیت المال می‌باشد. بنابراین عمده جرائمی که دیوان محاسبات کشور، در انجام وظایف قانونی خود با آن‌ها برخورد می‌کند، عبارتند از تصرف غیرقانونی در اموال و وجوه دولتی و جرائم در حکم آن، اختلاس، تدلیس در معاملات دولتی، ارتشاء و تبانی در معاملات دولتی، داوری در دعاوی له و علیه دولت، ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل و... که از مصادیق فساد مالی می‌باشند (فیاض، ۱۳۸۳، ۵۱).

علاوه بر دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور نیز به عنوان نهاد نظارتی قوه قضاییه اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی را به خود اختصاص داده است و قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، بر وظایف بازرسی این سازمان که در واقع نظارت و مراقبت برای حسن جریان امور و پیشگیری از بروز موارد تخلف و نهایتاً در صورت کشف تخلف برخورد با آن است، تأکید کرده است.

بنابراین وجود سازمان مزبور در پیشگیری از مراودات فسادآمیز، نقش مهمی دارد. علاوه بر این‌ها نهادهای نظارتی دیگر، مانند وزارت امور اقتصاد و دارایی، سازمان حسابرسی، نهاد تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی و حق مجلس برای سوال و استیضاح دولت نیز در کشف فساد و افزایش خطر دستگیری مجرم و نهایتاً پیشگیری از فساد نقش دارند. علاوه بر تقویت نظارت رسمی، از طریق کاهش گمنامی و افزایش آگاهی مدیران از مشخصات کامل و اعمال تک تک کارمندان می‌توان ارتکاب جرم فساد مالی را در جهت پیشگیری وضعی، پرخطرتر نمود (دادخدایی، ۱۳۹۰، ۲۵۴).

### ۲-۵-۳- راهکارهای دشوار ساختن ارتکاب جرم فساد مالی

دشوار ساختن ارتکاب جرم می‌شود که مجرم در مرحله پیش جنایی و در هنگام انتخاب عمل، دستیابی به نتیجه مطلوب عمل مجرمانه را از راه‌های دیگر غیر از عمل مجرمانه آسان‌تر یافته و از ارتکاب جرم، منصرف شود. از راه‌های دشوار ساختن ارتکاب جرم فساد مالی جابجایی دوره‌ای کارمندان است. استقرار طولانی مدت یک کارمند در یک سمت به او فرصت بیشتری می‌دهد تا در صورت گرایش به فساد مشتریان خود را به خوبی شناسایی کرده با آن‌ها وارد معامله و تبانی شود. جابجایی دوره‌ای مقامات و کارمندان، این امکان را از آن‌ها گرفته و کار را هم برای مقام و کارمند متخلف و هم برای ارباب رجوع، سخت می‌کند.

علاوه بر این، لازم است قوانینی در جهت کاهش سطح دخالت دولت و در راستای تحقق دولت الکترونیک به گونه‌ای که حداقل نیاز به مراجعه حضوری وجود داشته باشد تصویب شود. در واقع گستردگی دولت باعث گستردگی حیطه اختیارات شده و مقامات سیاسی در سطح وسیعی دارای اعمال قدرت و نفوذ می‌شوند. شواهد نشان داده که گستردگی وظایف، بی‌تردید باعث ایجاد رانت و امکانات فسادآمیز متعدد دیگر خواهد شد (دادخدایی، ۱۳۹۰، ۲۲۹). بنابراین کاهش دایره وظایف و برخی اختیارات مقامات و کارمندان نیز، می‌تواند ارتکاب جرم فساد مالی را برای آن‌ها دشوار نماید.

### ۳-۵-۳- کاهش جاذبه جرم فساد مالی

طبق نظریه انتخاب عقلانی، مردم به طور عاقلانه انتخاب می‌کنند، یعنی می‌کوشند تحقق خواسته‌ها با اهداف شان را مطابق شرایط مورد نظرشان به حداکثر برسانند (بیکس، ۱۳۹۰، ۳۳۱)؛ بنابراین مجرمان بسته به نتایج برآورد هزینه و نفع، فعالیت‌های مشروع یا نامشروع را مرتکب می‌شوند، یعنی در صورتی مرتکب جرم می‌شوند که سود و فایده مورد انتظار از ارتکاب جرم، افزون بر فواید عدم ارتکاب آن باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ۱۴۲). از طرفی، یکی از خصوصیات جرائم، فریبنده و برانگیزاننده بودن

آن است (جرج ولد و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۹۰) و وسوسه سود حاصل از ارتکاب جرم مجرم را مجذوب خود می‌سازد، جاذبه جرم و فریبندگی آن، نقش مهمی در انتخاب ارتکاب آن از سوی مجرم دارد. این امر، در مورد فساد مالی نیز صادق است. اندیشیدن به نتایج حاصله از جرائمی که مصادیق فساد مالی را تشکیل می‌دهند مجرم را به سوی آن‌ها سوق می‌دهد.

به این ترتیب باید به فکر کاهش جاذبه جرم فساد مالی در نظر مجرمان بالقوه بود. به این طریق که مثلاً هزینه ارتکاب جرم را بالا برده تا سود حاصل از جرم، نسبت به هزینه آن، غیرقابل توجه باشد. این امر باید در تصویب قوانین جزایی مورد توجه قرار گیرد. وضع مجازات‌های سنگین برای مصادیق جرم فساد مالی می‌تواند کمک مؤثری به کاهش جاذبه از جرم مذکور نماید. اقدام دیگر در این راستا، تصویب قانون با هدف حمایت از گزارش‌کنندگان و شهود و یا حتی دادن پاداش به آن‌هاست (دادخدایی، ۱۳۹۰، ۲۰۷). علاوه بر این، در راستای رویکرد جرم‌شناسی رادیکال که به شرایط اقتصادی و تأثیر آن بر وقوع جرائم توجه زیادی دارد (غلامی، ۱۳۹۰، ۲۵۲). پرداخت حقوق مناسب به کارمندان می‌تواند جاذبه ارتکاب جرم فساد مالی را در نظر آن‌ها تا حد زیادی کاهش دهد؛ چراکه اولاً، هنگامی که درآمد کارمند برای تأمین حداقل مایحتاج زندگی مکفی باشد، نیاز وی به درآمد ناشی از فساد اداری کاهش می‌یابد (غلامی، ۱۳۹۰، ۲۲۹) و این درآمد جاذبه خود را در نظر کارمند از دست می‌دهد. از سوی دیگر، هزینه فساد اداری در صورت اثبات جرم کارمند رابطه مستقیمی با حقوق و مزایای او دارد.

با فرض این که در صورت کشف فساد اداری، کارمند از استخدام دولتی اخراج می‌شود. یکی از هزینه‌های ناشی از اخراج، تفاوت درآمد مورد انتظار وی در بخش خصوصی در صورت اخراج و حقوق و مزایای دولتی در صورت عدم ارتکاب فساد اداری و ادامه استخدام دولتی است. طبیعی است که هر قدر حقوق و مزایای استخدام دولتی بیشتر باشد، هزینه ناشی از اخراج برای کارمند بیشتر خواهد بود و انگیزه او برای فساد کاهش می‌یابد. اگر در بخش دولتی میزان حقوق و دستمزدها پایین باشد ارتکاب فساد مالی شکل فریبنده بیشتری به خود می‌گیرد. از سوی دیگر، تفاوت درآمد میان بخش دولتی و خصوصی سبب می‌شود که افراد با تخصص بالا، جذب مشاغل دولتی با حقوق پایین نشوند و این مشاغل به دست افراد بی‌کفایت بیفتند که این امر خود زمینه ساز فساد است. پایین بودن میزان درآمد چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، سبب می‌شود که فرد، کسری درآمد خود را از طریق عواید فسادآمیز تأمین کند یا به شغل دوم، روی آورد که خود باعث ایجاد مصادیقی دیگر از فساد تحت عنوان تعارض منافع خواهد شد. وقتی کارمندان، حقوق کافی و زندگی مرفه داشته باشند کمتر افسوس و وسوسه‌های درآمد حاصل از فساد مالی خواهند شد (غلامی، ۱۳۹۰، ۲۳۰).

## نتیجه

فساد مالی، جرم مهمی است که در صورت شیوع، ساختار اقتصادی جامعه را مختل می‌کند؛ به همین دلیل مطالعه در راهکارهای مبارزه و پیشگیری از این جرم و به کارگیری تدابیر لازم در این زمینه، حتی اگر بیشترین هزینه‌ها را به دنبال داشته باشد، به نفع جامعه و برای بقای آن ضروری است. در واقع برنامه پیشگیری از فساد مالی را از مراحل ابتدایی رشد افراد باید شروع کرد و تا نظارت بر کار دستگاه‌های اداری و اجرایی توسعه داد.

آنچه از یافته‌های این پژوهش حاصل شده این است که، سوءاستفاده مالی در بین مقامات و کارکنان دولتی به شخصیت فردی، ضعف کنترل اخلاق و اعتماد به نفس بالا و عدم کفایت پیشگیری اجتماعی جهت جلوگیری از جرم بوده و پیشگیری وضعی را در اولویت قرار می‌دهد. شفافیت مقررات در نظام دولتی، لزوم اعلام دارایی مقامات دولتی به نهادهای نظارتی و نظارت مستمر بر عملکرد آن‌ها، توجه به پرونده شخصیت مشارالیه و شایسته سالاری هنگام انتصاب مقامات دولتی از جمله تدابیر پیشگیرانه وضعی محسوب می‌شوند. ممنوعیت اشتغال مقامات دولتی به مشاغل دیگر، استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم در نظارت بر عملکرد مقامات و کارکنان دولتی و افزایش سطح آگاهی‌های عمومی از جمله تدابیر پیشگیرانه اجتماعی به حساب می‌آیند.

دولت باید سیستم دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری را با هم منسجم کند، تمام اطلاعات مربوط به اشخاص، نقل و انتقالات، وام‌ها، دریافت و پرداخت‌های این مراکز را زیر نظر گروهی متخصص داشته باشد. هماهنگی اطلاعات بانک‌ها با هم در رابطه با شفافیت اموال مقامات دولتی و نظارت توسط گروه خاص متخصصین، امکان سوءاستفاده مالی و مفاسد کلان اقتصادی و مالی مقامات و کارکنان دولتی را به حداقل کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، در قوانین موجود تعریف دقیقی از سوءاستفاده مالی، مفاسد اقتصادی و مالی و مصادیق آن‌ها به عمل نیامده و همین امر باعث برداشت‌های مختلف و متناقض از این مفاهیم شده است. در حالی که افکار عمومی و بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی معنای دقیق جرائم مرتبط با سوءاستفاده مالی را درک نکرده و اصولاً تفاوتی بین مصادیق مختلف این دسته از جرائم بر علیه اموال قائل نیستند و برداشت‌های متفاوتی از ماهیت مفاسد مالی در معنای اعم آن وجود دارد. بدون تردید ابهام مفهومی و سایر ضعف‌های قانونی با اصول مترقی همچون اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و قاعده قبح عقاب بلا بیان نیز منافات صریح دارد و قانونگذار باید در جهت توضیح مفاهیم و مصادیق یادشده و جلوگیری از برداشت‌های متفاوت و در نتیجه اقدامات موازی، بی‌اثر و یا کم‌اثر اقدام

کند و در این راستا نقشه راه پیشگیری و چگونگی روند مبارزه با آن جرائم را تعیین نمایند. همچنین علاوه بر مبارزه با مجرمین و پیشگیری از جرائم مالی مقامات، جرائم مالی کارکنان دولت نیز باید مورد نظر باشد چراکه در این زمینه مهم‌ترین عاملی که در کنار سایر عوامل به نظر می‌رسد و نقش غیرقابل انکاری در ارتکاب مصادیق جرم فساد مالی دارد، فقر و عدم کفایت حقوق برخی کارمندان دولت است؛ بنابراین باید در جهت رفع این عامل به طور جدی کوشید. از بین بردن عامل فقر، به عنوان یک عامل جرم‌زا هم در پیشگیری اجتماعی، هم در پیشگیری وضعی و هم در پیشگیری زودرس مورد توجه است. در پیشگیری اجتماعی، فقر به عنوان یک عامل اجتماعی مورد توجه است که به دلیل مشکلات جسمی و روحی که به فرد تحمیل می‌کند موجب ارتکاب جرائمی چون فساد مالی از سوی او می‌شود؛ به ویژه توجه به منفعت مالی حاصل از فساد مالی به انگیزه مرتکبان احتمالی فقیر آن برای ارتکاب جرم می‌افزاید.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

### فارسی

- ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۱، **جرم‌شناسی پیشگیری**، جلد اول، تهران، انتشارات میزان.
- بیکس، برایان، ۱۳۹۰، **فرهنگ نظریه‌های حقوقی**، ترجمه عباس ایمانی، تهران، انتشارات نامه هستی.
- جعفرپورصادق، الهام و عدالت جو، اعظم، ۱۳۹۲، **فساد مالی و راهکارهای پیشگیری از آن**، **فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد**، شماره ۲۲.
- دادخدایی، لیل، ۱۳۹۰، **فساد مالی-اداری و سیاست جنایی مقابله با آن**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۴، **بزهکاری اطفال و نوجوانان**، تهران، انتشارات ژوین.
- غلامی، حسین، ۱۳۹۰، **تکرار جرم**، تهران، انتشارات میزان.
- فیاض، شجاعی، ۱۳۸۳، تحلیل ماده ۲۵ قانون دیوان محاسبات کشور، **فصلنامه دانش حسابرسی**، شماره ۱۴.
- مرادی، فرزانه، ۱۳۹۱، نقش حجاب در پیشگیری از جرم، **مجموعه مقالات همایش پیشگیری از جرم و**

**آسیب‌های اجتماعی**، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مازندران.

- معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه، ۱۳۹۱، **مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و**

**آسیب‌های اجتماعی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- معین، محمد، ۱۳۸۲، **فرهنگ فارسی**، تهران، انتشارات امیر کبیر.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۸، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۵.

- ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ استیس، جفری، ۱۳۸۸، **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه علی شجاعی، تهران، انتشارات سمت.

- همدی خطبه سرا، ابوالفضل، ۱۳۸۷، **فساد مالی علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن**، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

لاتین

- Gilling, Daniel, 2005, crime prevention, London and New York, Routledge publishing.

